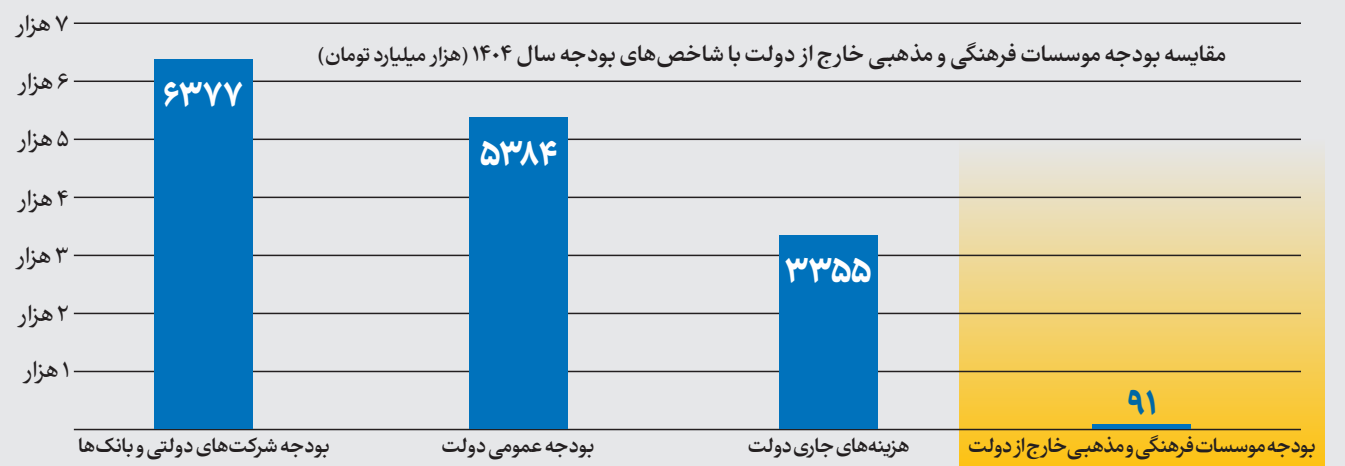


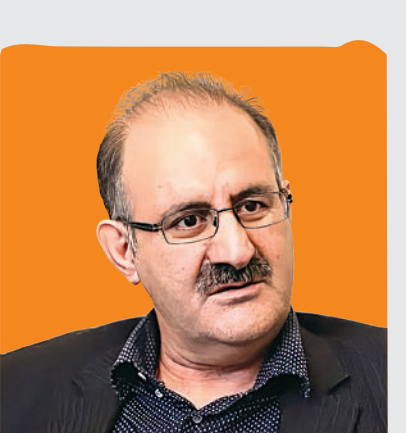
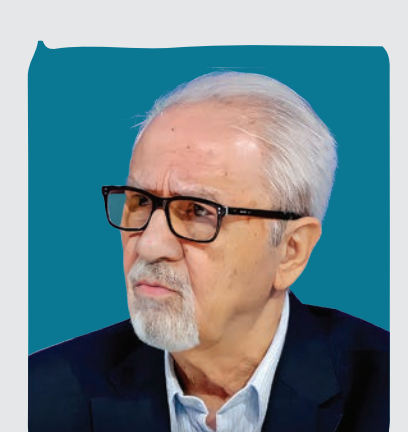
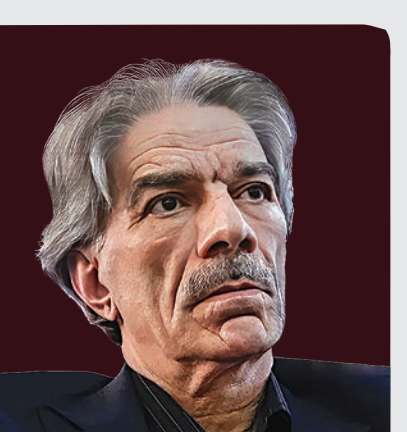
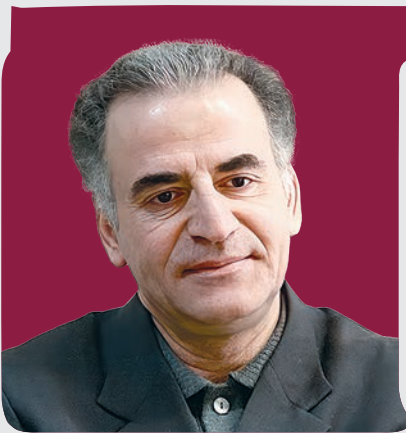
نبض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوک



کاسبان بودجه

در حالی که برخی فعالان سیاسی و اقتصاددانان اصلاح طلب در نامه به مسعود پزشکیان خواستار حذف بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی شده‌اند که سهم این مؤسسات از کل بودجه دولت فقط ۱٫۷ درصد است. به نظرمی‌رسد اصلاح طلبان با پیگیری خط انحرافی باید این افراد را کاسبان بودجه نامید.





برخی اقتصاددانان‌ها در زمین دشمن بازی می‌کنند

قائم‌مقام حزب مؤتلفه با یادآوری اینکه بودجه فرهنگی تنها ۳ درصد بودجه کشور است، گفت: به نظر می‌رسد این نامه کاملاً در راستای هدف‌گذاری دشمن علیه فرهنگ و اعتقادات ملت ایران تنظیم شده است.

حمیدرضا ترقی قائم‌مقام حزب مؤتلفه در گفت‌وگو با مهر راجع به نامه ۱۸۰ اصلاح‌طلب به رئیس‌جمهور راجع به حذف بودجه نهادهای فرهنگی اظهار کرد: نامه اقتصاددانان‌ها نشان داد که متأسفانه اطلاعات این افراد از بودجه کشور و منابع آن کاملاً غلط یا نادرست است؛ زیرا کل بودجه فرهنگی که در واقع صرف دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی کشور می‌شود، بیش از سه درصد کل بودجه کشور نیست. حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه این سه درصد می‌تواند در مسائل دیگر اقتصادی کشور تعیین‌کننده باشد یا مشکلات اقتصادی را حل کند؟ این موضوع نشان می‌دهد که متأسفانه این اقتصاددانان‌ها نه فهم فرهنگی دارند و حتی فهم دقیق بودجه‌ای ندارند. وی ادامه داد: نکته دوم این است که اساساً انقلاب مایک انقلاب فرهنگی بوده، نه یک انقلاب اقتصادی. اقتضای یک انقلاب فرهنگی این است که در مسیر جامعه‌پذیری سیاسی و دینی نسل‌های بعد، سرمایه‌گذاری فرهنگی صورت بگیرد. به دلیل ضعفی که در بودجه‌های فرهنگی کشور وجود داشته و ناتوانی مادر انتقال کامل ارزش‌های انقلاب به نسل جوان، در سال‌های گذشته آسیب‌هایی را شاهد بوده‌ایم که منجر به بروز فتنه‌های مختلف شده است. در نتیجه، بخشی از نسل جوان از آرمان‌های انقلاب اسلامی فاصله گرفته‌اند.

قائم‌مقام حزب مؤتلفه خاطر نشان کرد: اولاً این نامه نشان می‌دهد که این اقدام دقیقاً در راستای همان توطئه‌ای است که دشمنان انقلاب اسلامی دنبال می‌کنند. بنا به تعبیر اخیرمقام معظم رهبری در جمع مداحان، آرایش تبلیغاتی ما باید متناسب با هدف‌گذاری دشمن باشد. دشمن مهم‌ترین هدف‌گذاری فرهنگی خود را برضربه زدن به مبانی اعتقادی، فکری و معارف دینی جامعه ما متمرکز کرده است. هم‌زمان با این هدف‌گذاری دشمن علیه مبانی فرهنگی و انقلابی که تاکنون انقلاب را حفظ کرده و اجازه نداده توطئه‌های استیکار جهانی و حتی متحجران حکومت‌های پیشین، هویت دینی و ملی ایران را از بین ببرند، این جریان به دنبال آن است که با بستن اعتبارات فرهنگی، این مسیر را تضعیف کند.

ترقی تصریح کرد: در واقع، هدف آن‌ها این است که هم‌زمان با تلاش و طراحی دشمن در جنگ شناختی، بازوی اعتبارات فرهنگی نیز تضعیف شود تا این دوازده‌بصورت‌گازنبری، مزیت و قدرت اعتقادی و فرهنگی انقلاب اسلامی را از بین ببرند و پس از آن، زمینه تسلط دوباره استیکار بر کشور را فراهم کنند. لذا به نظرمی‌رسد این نامه کاملاً در راستای هدف‌گذاری دشمن علیه فرهنگ و اعتقادات ملت ایران تنظیم شده و این هماهنگی با دشمن از سوی این اقتصاددان‌ها بصورت عمدانه در حال انجام است تا به ریشه‌های محافظت از هویت دینی و اسلامی فرهنگ کشور آسیب وارد شود.



انتقاد تا جگردون از نگاه نادرست به بودجه مؤسسات فرهنگی

غلامرضا تا جگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، که از حامیان پژوهشگران در انتخابات بود و از چهره‌های مطرح اصلاح‌طلب محسوب می‌شود، اخیراً درباره آن گفته شده برخی نهادها و سازمان‌ها که بودجه دریافت می‌کنند نه گزارش سالیانه‌ای منتشر می‌کنند نه به طور شفاف به مردم گزارش می‌دهند، بیان کرد: اصلاً این نهادها سهم و عددشان در بودجه چقدر کم است و سازمان برنامه هم به آن‌ها تخصیص نمی‌دهد، این که ناگامندی بودجه را به چهار تار نهاد متصل کنیم به نظرم ظلم به بودجه و حاکمیت است.

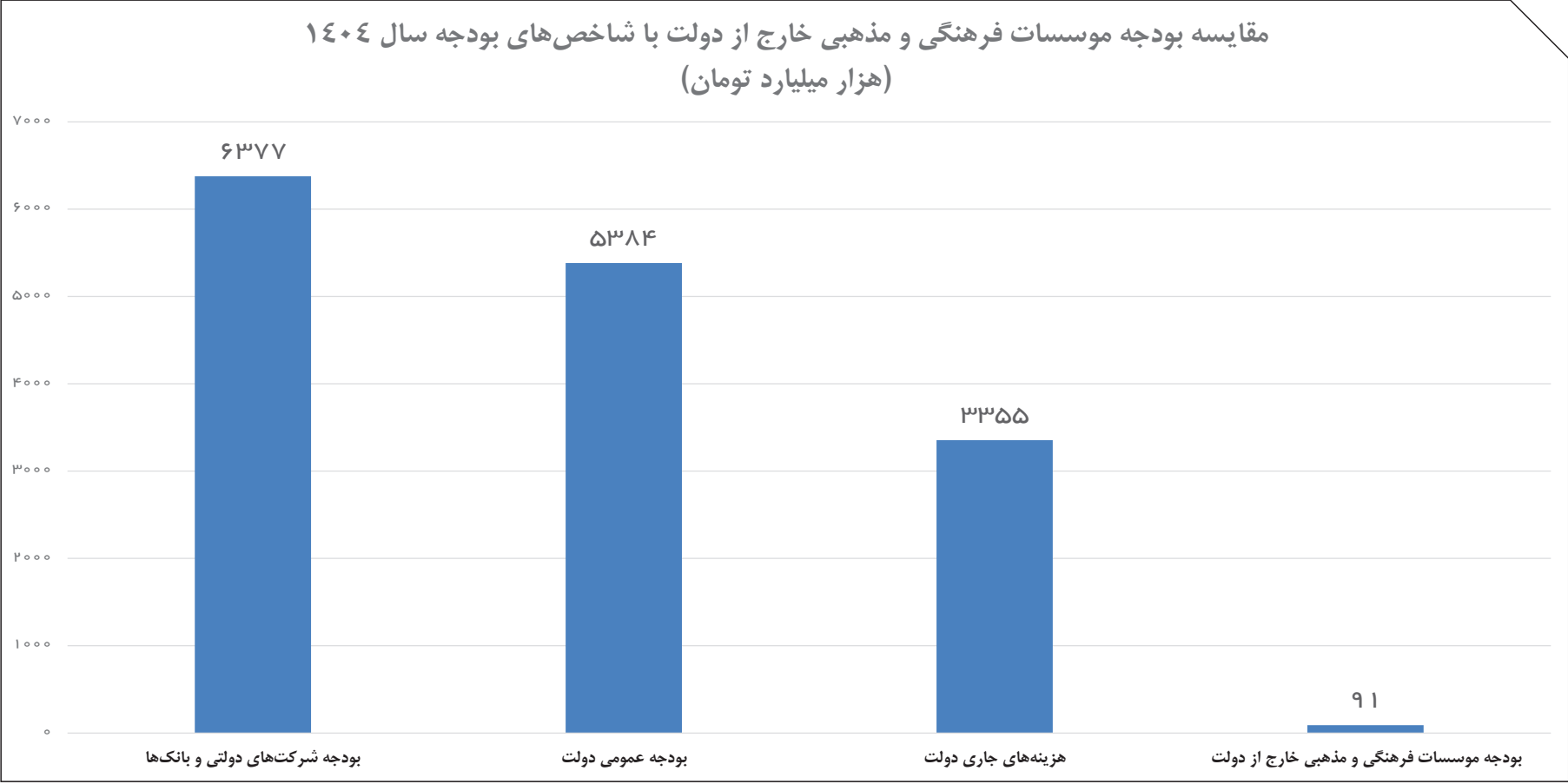
وی ادامه داد: اولاً در مورد بودجه نهادهای فرهنگی ما چهار حوزه علمیه یا دانشگاه علمیه که بیشتر نداریم، مؤسسات فرهنگی که همه حذف شدند و نداریم و فقط چند مرکز مانده است. مثلاً مرکز خدمات حوزه علمیه قم، یکسری طلاب هستند که حق بیمه شان و هزینه سرانه تحصیلشان را می‌گیرند.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه ادامه داد: به طور مثال پسرمن به هنرستان موسیقی می‌رود دولت به او سرانه می‌دهد، فرزند فرد دیگر هم به حوزه علمیه می‌رود؛ من بگویم چون ایشان علوم دینی می‌خواند سرانه ندهد و به پسرمن که موسیقی می‌خواند سرانه دهد، این یک ظلم آشکار است. باید روی کل ناگامادی بودجه بحث کنیم.

وی ادامه داد: اگر حوزه‌های علمیه را دانشگاه علمیه را حذف کنیم، باید مثل سایر دانشگاه‌ها با آن برخورد شود این را باید قبول داشته باشیم. حوزه‌های علمیه کتب درسی اش نباید تدوین شود؟ اساتید نباید داشته باشند؟ ما این همه انجمن و مجمع داریم که کتب درسی در دانشگاه‌ها تدوین می‌کنند، کاری به آموزش و پرورش نداریم، در حوزه هم همین است و از طریق ردیف بودجه سرانه آن‌ها را می‌دهند. باید به آن استادی که در حوزه ۲۰ الی ۳۰ است درس می‌دهد هم توجه کرد. ما همه چیز را نباید سیاسی نگاه کنیم.

تا جگردون تاکید کرد: کل ناگامادی و سسختی‌های بودجه را نباید به

کوه سال‌هاست این چنینی متصل کنیم. من نظر شخصی ام را به عنوان کسی که سوال هاست که بودجه انجام می‌دهم می‌گویم و معتقدم این گونه برخورد کردن، ظلم است.



کاسبان بودجه

گزارش

در حالی که اقتصاددانان اصلاح طلب در نامه به مسعود پزشکیان خواستار حذف بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی شده‌اند که سهم این مؤسسات از کل بودجه دولت فقط ۱٫۷ درصد است.

به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان با پیگیری خط انحرافی بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی، به دنبال ایجاد حاشیه امن برای شرکت‌های پولساز دولتی و خصوصی هستند چراکه منابع چند صد هزار میلیاردی این شرکت‌ها را دور از چشم مردم خرج می‌کنند. باید این افراد را کاسبان بودجه نامید.

چندی پیش ۱۸۰ چهره اقتصادی و سیاسی اصلاح طلب در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، ریشه مشکلات اقتصاد را بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی جلوه داده و خواستار حذف بودجه این مؤسسات شدند.

در میان نام امضاکنندگان این نامه، چهره‌های مشهور اصلاح طلب به چشم می‌خورد که خود را اقتصاددان، کارشناس، متخصص و صاحب‌نظر جازانده‌اند؛ افرادی همچون مسعود نبلی، مرتضی الویری، عباس آخوندی، لطفعلی بخشی، محمد مهدی بهکیش، پیروز حناچی، هادی خانیکی، حسن درگاهی، مسعود روغنی زنجانی، فیاض زاهد، محمد سستاری فر، ولی الله سیف، داود سوری، محمد حسین شریف‌زادگان، حسن طایی، محمد طیبیان، حسین عبده‌تیریزی، موسی غنی‌نژاد، علینقی مشایخی، اصغر فخریه‌گانشان، غلامعلی فرجادی، اکبر کیمیجانی، وحید محمودی، طهماسب مظاهری، فرهاد نبلی و بهروز هادی‌نژوز. در بخشی از این نامه با اشاره به ضرورت اصلاح قیمت حامل‌های انرژی آمده است: «همان‌گونه که بخشی از مردم در این شرایط دشوار ناچارند سهم بیشتری از هزینه را بپردازند، دولت نیز باید شجاعت نشان دهد و ردیف‌های پرهزینه، کم‌اثر و فاقد بازده اجتماعی را کاهش داده یا حذف کند. اصلاح قیمت پتروزین و سایر حامل‌های انرژی، اگر قرار است به عدالت منجر شود، باید با اصلاح هم‌زمان سهم هزینه‌های بودجه حکمرانی همراه باشد. بودجه نهادهایی را که هیچ نقش و جایگاهی در ارائه خدمات عمومی ندارند و مشخص نیست چرا باید از منابع عمومی بهره‌مند شوند، بدون مماشات حذف کنید. مردم در شرایط بسیار دشوار زندگی می‌کنند و این طور که به نظر می‌رسد، چشم‌انداز پیش رو نیز، بهبودی را نوید نمی‌دهد. در چنین شرایطی، اختصاص بودجه به فعالیت‌ها و نهادهایی که ارتباطی به منافع ملی ندارند، چه توجیهی دارد؟ هزینه‌هایی را که مابه‌ازای ملموس برای مردم ندارند، شجاعانه حذف کنید، و اجازه دهید مردم ببینند که اصلاحات اقتصادی تنها از طریق تحمیل هزینه جدید به آنان انجام نمی‌شود. بودجه سازمان‌ها و نهادهای موجود در نظام حکمرانی را که خدمات آن‌ها هیچ تناسبی با مبالغ کلان منظور شده ندارد، با قاطعیت کاهش دهید.»

منظور این ۱۸۰ چهره اصلاح طلب، حذف بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت است که هر ساله در فصل بررسی بودجه، جوسازی رسانه‌ای علیه بودجه آنها به راه می‌اندازند تا اینگونه به افکار عمومی القا شود که بخش زیادی از بودجه کشور صرف مؤسسات فرهنگی و مذهبی می‌شود.

ناکارآمدی سقف دستوری اجاره‌بها؛

مستأجر و مالک قانون را دور می‌زند

رئیس اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران گفت: تعیین دستوری سقف افزایش اجاره‌بها در بازار مسکن پاسخگو نیست، زیرا مالکان به دلیل شرایط تورمی برای دور زدن قانون از قرارداد رسمی خودداری می‌کنند.

خشیایار باقرپور، رئیس اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران با اشاره به تأثیر تعیین سقف افزایش اجاره‌بها ۲۵ تا درصد در سال جاری در بازار مسکن، اظهار کرد: قانون ساماندهی بازار مسکن، زمین و اجاره‌بها در بخش‌هایی دارای ظرفیت‌های مثبت است، اما آن‌جا که می‌خواهد با رویکرد دستوری اقتصاد را هدایت کند، عملاً به جمع قوانین غیر قابل اجرایی پیوندد و نهایتاً موجب بی‌اعتبار شدن خود قانون و قانون‌گذار می‌شود. وی افزود: این قانون در برخی بندها، از جمله مشوق‌های طراحی شده برای قراردادهای اجاره دویا سه‌ساله، گام مثبتی برداشته است؛ به طوری که این قراردادها را مشمول معافیت‌های مالیات

ارقام بودجه ۱۴۰۴	میلیارد تومان
بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها	۶۳۷۷۰۰۰
بودجه عمومی دولت	۵۳۸۴۰۰۰
هزینه‌های جاری دولت	۳۳۵۵۰۰۰
بودجه عمرانی	۶۰۰۰۰
مجموع پرداخت حقوق و رفاهیات	۲۰۶۲۰۰۰
سود سهام شرکت‌های دولتی	۱۰۰۰۰
مجموع بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت	۹۰۹۸۵

بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت

دستگاه ردیف بودجه	بودجه مصوب (میلیارد تومان)
صداوسیما	۴۳۶۷۱
مرکز خدمات حوزه‌های علمیه	۱۴۰۹۷
شورای عالی حوزه‌های علمیه	۸۸۶۲
سازمان تبلیغات اسلامی	۶۲۵۸
سازمان صداوسیما- کمک به تولید آثار فرهنگی و افزایش آگاهی عمومی	۵۰۰۰
حق بیمه کارفرمایی طلاب	۳۷۶۵
دانشگاه جامعه المصطفی	۱۷۵۶
سازمان وفاق	۱۱۵۹
کمک به آستان‌های مقدسه	۱۱۱۰
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم	۹۱۴
بنیاد حفظ و آثار ارزش‌های دفاع مقدس	۹۱۳
شورای برنامه‌ریزی و مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان	۸۸۷
موسسه امام خمینی (ره)	۴۰۴
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی	۳۳۲
بنیاد کرامت	۲۰۰
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی- طرح بلاغ	۲۰۰
کمک به احداث و تجهیز مجتمع تربیتی آموزشی حضرت مهدی (عج)	۲۰۰
ساماندهی و مرمت بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی	۱۵۰
مؤسسه علم و تمدن و عرفان	۱۵۰
تکمیل و ساخت مساجد و مصلا و اماکن مذهبی	۱۲۰
کمک به صندوق ذخیره بسیجیان	۱۱۰
بازسازی بیت امام	۱۰۰
بهبودی و ساماندهی گزارش‌های شهدای کرمان	۱۰۰
بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی	۵۰
صندوق توسعه قرآنی کشور	۵۰
کمک به احداث و مستحقات حرم حضرت بی‌بی حکیمه (س)	۵۰
کمک به بنیاد فروردین نضار الانصار	۴۰
مصلاي نماز جمعه پردیسان قم	۴۰
بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری	۳۵
دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت	۳۰
کمک به احداث و تکمیل ساختمان نمایشگاهی باغ مؤذع دفاع مقدس خراسان	۳۰
احداث حوزه علمیه خواران	۲۵
هیأت رزمندگان اسلام	۲۱٫۵
دفتر تبلیغات اجتماعی- دانشگاه باقرالعلوم	۲۰
کمک به مؤسسه فرهنگی مذهبی حضرت علی (ع) (ع)	۲۰
مجمع عالی حکمت اسلامی	۲۰
موسسه فرهنگ علوم اسلامی قم	۲۰
شبهک ولایت	۱۵
کمک به فعالیت‌های زیارتگاه شهید مدرس	۱۵
مؤسسه اخلاق و تربیت	۱۵
یادمان شهدای فراوزید در منطقه سرپل ذهاب	۱۵
کمک به مؤسسه شهید محراب آیت‌الله مدنی	۱۰
دایره معارف فقه	۵
بنیاد چهارم خرداد	۱٫۸
مجموع	۹۰۹۸۵
مجموع بدون صداوسیما	۴۳۳۱۴

اما غالب آن‌ها که این ۱۸۰ چهره اصلاح طلب که در میان آنها شمار زیادی از اقتصاددانان این جریان هم قرار دارد، به خود زحمت نداده‌اند آمار و ارقامی از میزان بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی ارائه کنند.

واقعیت آن است که مجموع اعتبارات هزینه‌ای و عمرانی مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت در قانون بودجه امسال، حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان است که البته بیش از نصف آن بودجه صداوسیما است. اگر بودجه صداوسیما را کم کنیم، مجموع اعتبارات هزینه‌ای و عمرانی مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت در قانون بودجه امسال، ۴۳ هزار میلیارد تومان است. این در حالی است که کل بودجه عمومی دولت در سال جاری ۵۳۸۴ هزار میلیارد تومان است. بنابراین سهم مجموع اعتبارات هزینه‌ای و عمرانی مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت نسبت به کل بودجه عمومی دولت فقط ۱٫۷ درصد است.

بدون احتساب بودجه صداوسیما، سهم مجموع اعتبارات هزینه‌ای و عمرانی مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت نسبت به کل بودجه عمومی دولت فقط ۰٫۸ درصد است. یعنی اگر بودجه همه مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت هم صفر شود، فقط ۹۰ هزار میلیارد تومان در کلیات بودجه کشور صرفه جویی می‌شود که معادل ۳ ماه یارانه نقدی خانوارها است. در شرایطی که کل بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی خارج از دولت ۹۰ هزار میلیارد تومان است اما مجموع بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها در سال جاری ۶۳۷۷ هزار میلیارد تومان است.

یعنی شرکت‌های دولتی با ۲۲ درصد صرفه جویی در هزینه‌های سالانه خود رقم بسیار بالاتری از کل بودجه مؤسسات فرهنگی و مذهبی را می‌توانند خرج بیت‌المال کنند.

این آمار و ارقام نشان می‌دهد ۱۸۰ چهره اصلاح طلب تا چه حد

سیاسی کاری کرده و افراد مشهور به اقتصاددان در این جریان

که این نامه را امضا کرده‌اند عملاً خود را جاهل به بودجه نشان

دادند. از افرادی که ادعای کارشناسی اقتصادی دارند انتظار

می‌رود وقتی موضوعی را مطرح می‌کنند آن هم در سطح ارسال

نامه سرکشاده خطاب به رئیس دولت، چند عدد در رقم هم در آن

ذکر کنند تا عیار موضوع مدنظر آنها مشخص شود.

اما همانطور که ذکر شد همه این جارو جنجال سیاسی

اقتصاددانان اصلاح طلب همچون مسعود نبلی، عباس

آخوندی، علینقی مشایخی، موسی غنی‌نژاد و... درباره رقم

ناچیزی از بودجه سالانه دولت است و جالب است که آنها

در برابر ریخت و پاش صد‌ها برابر شرکت‌های دولتی سکوت

کرده‌اند. آیا این روند نشانه تلاش عده‌ای برای فریب مسئولان

و انحراف تصمیم‌گیران نیست تا به جای کاهش هزینه‌ها از

محل‌های اصلی ائتلاف بیت‌المال همچون شرکت‌های بزرگ

دولتی، به دنبال نخود سیاه بروند؟

در این زمینه کافی است به اعتراف چندی پیش موسی غنی‌نژاد

اشاره کرد که گفت هیات مدیره شرکت‌های بزرگ فولاد، پتروشیمی،

نفت و معدنی در اختیار جریان اصلاح طلب قرار دارد. در واقع به

نظرمی‌رسد اصلاح طلبان با پیگیری خط انحرافی بودجه مؤسسات

فرهنگی و مذهبی، به دنبال ایجاد حاشیه امن برای شرکت‌های

پولساز دولتی و خصوصی هستند چراکه منابع چند صد هزار

میلیاردی این شرکت‌ها را دور از چشم مردم خرج می‌کنند.

باید این افراد را کاسبان بودجه نامید.

که بخش قابل توجهی از واحدهای مسکونی زیر ۱۵۰ متر، مشمول مالیات بر اجاره نیستند.

این مقام صفتی تصریح کرد: به همین دلیل، بسیاری از قراردادهای دویا سه‌ساله که ظاهراً باید مشمول معافیت شوند، اساساً نیازی به معافیت ندارند؛ چون در دایره مالیاتی قرار نمی‌گیرند. در نتیجه، بخشی از این سیاست عملاً کارکرد عملی خود را از دست می‌دهد. ما از یک سو در تلاشیم فرهنگ‌سازی کنیم و رفتارهای بازار را اصلاح کنیم، اما از سوی دیگر با وضع مقررات دستوری، زمینه فرار از قانون را فراهم می‌کنیم. باقرپور در پایان گفت: تجربه دهه‌ها سال گذشته نشان می‌دهد اقتصاد دستوری به هیچ‌حوزه‌ای موفق نبوده و هر بار که اعمال شده، به شکست انجامیده است. تا زمانی که ساختار کلان اقتصادی اصلاح نشود و تورم مهار نگردد، هیچ سیاست دستوری در حوزه اجاره‌بها نمی‌تواند به نتیجه مطلوب برسد.



مدارک و سوابق قانونی اثری از قرارداد پیشین باقی نماند. در عمل این روند مصداق خروج از قانون و فرار از سازوکارهای قانونی است. باید توجه داشت

وی یادآور شد: این روند موجب می‌شود مستأجر برای ادامه سکونت حتی ناچار شود قرارداد جدید را به نام یکی از اعضای خانواده یا فرد دیگری منعقد کند تا در

خطررکود را بلندتر از سال‌های گذشته به صدا درآورده است. در چنین شرایطی، نبود آمار شفاف و سیاست صنعتی فعال، می‌تواند اقتصاد را وارد چرخه‌ای از رکود عمیق‌تر کند. لذا باید انتظار این را داشت که تولید کشور در ماه‌های آینده با شرایط بدتری روبرو شود.

بحران انرژی و سکوت وزارت صمت

در راستای چالش‌های که وزارت صمت برای تولید و تولیدکنندگان ایجاد کرده استست باید گفت که در تابستان، با قطع برقی و در هفته‌های اخیر با قطع یا محدودیت گاز، تولیدکنندگان بار دیگر قربانی شدند. این در حالی است که طبق اصول بدیهی حکمرانی صنعتی، صنایع نباید در اولویت قطع انرژی قرار گیرند. اما هر بار که کمبود ایجاد می‌شود، وزارت نیرو و نفت مستقیماً به سراغ صنایع می‌روند و سکوت وزارت صمت نیز راه را برای این تصمیم‌ها هموار می‌کند. این سکوت، به معنای خالی کردن پشت صنعتگران است؛ در شرایطی که تولیدکننده هم‌زمان با تورم، کمبود نقدینگی، نااطمینانی بازار وافت تقاضا دست‌وپنجه نرم می‌کند. در ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار به صورت شفاف تأکید شده‌است که در زمان کمبود برقی، گاز یا خدمات مخابرات، واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت قطع برقی یا گاز یا خدمات مخابرات قرار داشته باشند و شرکت‌های عرضه‌کننده برقی، گاز و خدمات مخابرات موظفند هنگام عقد قرارداد با واحدهای تولیدی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی، وجه التزام قطع برقی یا گاز یا خدمات مخابرات را در متن قرارداد پیش‌بینی کنند. هرگاه دولت به دلیل کمبودهای مقطعی به شرکت‌های عرضه‌کننده برقی یا گاز یا مخابرات دستور دهد موقتاً جریان برقی یا گاز یا خدمات مخابراتی واحدهای تولیدی متعلق به شرکت‌های خصوصی و تعاونی را قطع کنند، موظف است نحوه جبران خسارت‌های وارده به این شرکت‌ها ناشی از تصمیم فوق را تعیین و اعلام کند. براین اساس با وجود قطع و محدودیت‌های اعمال شده هیچ سیاست جبرانی از سوی وزارت صمت مطالبه و پیگیری نمی‌شود.

سرمایه‌گذار وارد فضای مه‌لود تصمیم‌گیری شده است

رضا احمدوند، کارشناس صنعت و فعال اقتصادی درباره وضعیت تولید کشور به خبرنگار چارسوق گفت: اگر بخواهم صریح صحبت کنم، باید بگویم میان شعار سال و عملکرد وزارت صمت شکاف جدی وجود دارد. سرمایه‌گذاری، قبل از هر چیز به اطلاعات، داده و پیش‌بینی پذیری نیاز دارد. وزارت صمت به عنوان متولی اصلی تولید و صنعت، نه‌تنها بسته‌مشخصی برای سرمایه‌گذار ارائه نکرده، بلکه حتی حداقل زیرساخت اطلاعاتی را هم فراهم نکرده است. در چنین فضایی، شعار سال عملاً بلااستفاده می‌ماند. وی ادامه داد: وقتی آمار تولید منتشر نمی‌شود، سرمایه‌گذار وارد فضای مه‌آلود تصمیم‌گیری می‌شود. نتیجه این وضعیت با عدم ورود سرمایه‌است یا ورود اشتباه سرمایه به بخش‌های اشباع شده. مادقیقاً با همین مسئله مواجهیم. طبق آمارهای کلان، نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ایران در سال‌های اخیر به حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده، در حالی که این عدد در دهه ۱۳۸۰ بالای ۳۰ درصد بود. این افت، تصادفی نیست؛ نتیجه نبود شفافیت و نااطمینانی است.

این فعال اقتصادی اذعان داشت: اقتصاد در حال ورود به فاز رکودی است. وقتی تولید کاهش می‌یابد، سرمایه‌گذاری متوقف می‌شود و مصرف هم افت می‌کند. این یک چرخه معیوب است. نبود آمار شفاف، این چرخه را تشدید می‌کند، چون سیاست‌گذار هم تصویر دقیقی از عمق بحران ندارد. این رویه خطرناک‌است، چون تصمیم‌ها در خلأ اطلاعاتی گرفته می‌شود. نتیجه‌اش هم سیاست‌های مقطعی، دستوری و بعضاً مخرب است.

احمدوند خاطر نشان کرد: قطع انرژی صنایع، یکی از مهم‌ترین عوامل افت تولید در سال جاری بوده‌است. در تابستان برق و در ماه‌های اخیر گاز صنایع قطع شد؛ در حالی که در همه دنیا، صنعت در اولویت تأمین انرژی قرار دارد. سکوت وزارت صمت در این زمینه، به‌نوعی چراغ سبز به سایر دستگاه‌هاست. وقتی وزارت متولی صنعت از تولیدکننده دفاع نکند، طبیعی است که وزارت نیرو با نفت، صنعت را اولین هزینه محدودیت‌بدانند. تورم تولیدکننده در ماه‌های اخیر همچنان بالای ۳۰ درصد بوده‌است. یعنی هزینه تولید به‌شدت در حال افزایش است، اما هم‌زمان تولید کاهش می‌یابد و حمایت مؤثری وجود ندارد. این امر می‌تواند به تعدیلی واحدهای کوچک و متوسط منجر شود؛ همان‌هایی که ستون فقرات اشتغال کشور هستند.



چارسوق سال «سرمایه‌گذاری برای تولید» را بررسی کرد

وزارت صمت؛ غایب بزرگ در شفافیت آماری و حمایت از تولید

گزارش

سال ۱۴۰۴ با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» نام‌گذاری شد؛ شعاری که در ظاهر، مسیر حرکت اقتصاد کشور را به سوی رونق تولید، جذب سرمایه و تقویت بخش واقعی اقتصاد نشانه گرفت؛ اما در ۹ ماهی که از سال جاری گذشته، مرتبط‌ترین وزارتخانه با این شعار، یعنی وزارت صمت، معدن و تجارت، چه اقدام مشخص، قابل اندازه‌گیری و اثرگذاری انجام داده‌است؟ شاید به جرات بتوان گفت خاموش‌ترین وزارتخانه در سال سرمایه‌گذاری برای تولید، دقیقاً همین وزارتخانه بوده‌است؛ نهادی که باید در خط مقدم حمایت از صنعتگران، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران قرار می‌گرفت، نه تنها نقش فعالی ایفا نکرد، بلکه با فقدان شفافیت آماری، سکوت در برابر بحران انرژی و نبود نقشه راه سرمایه‌گذاری، عملاً تولیدکنندگان را به حال خودشان رها کرده‌است.

به جرات می‌توان گفت که تولیدکنندگان کشور این روزها بیش از هر زمان دیگری با بی‌پناهی مواجه‌اند. نه بسته حمایتی روشنی وجود دارد، نه سیاست صنعتی شفاف، نه داده‌ای که بتوان بر مبنای آن تصمیم گرفت. سال‌هاست که فعالان صنعتی هشدار می‌دهند بدون آمار دقیق، بدون پیش‌بینی پذیری و بدون حمایت مؤثر، تولید دوام نمی‌آورد؛ اما در سالی که قرار بود نقطه عطف سرمایه‌گذاری برای تولید باشد، این هشدارها باز هم جدی گرفته نشد.

فهرستی که هرگز منتشر نشد

در سال «سرمایه‌گذاری برای تولید»، حداقلی‌ترین انتظار از وزارت صمت انتشار فهرست فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش تولید بود؛ اقدامی که در بسیاری از کشورها بدیهی است. با این حال، وزارت صمت حتی همین گام ابتدایی را نیز برنداشت. بررسی سایت رسمی وزارت صمت نشان می‌دهد اگر به بخش «اطلاعات و آمار» و سپس «اولویت‌های صنعتی» مراجعه شود و دوزیرشاخه «موضوعات سرمایه‌گذاری دارای اولویت» و محصولات دارای اولویت» بررسی شود، هیچ خروجی، فایل، گزارش یا داده‌ای در دسترس نیست. صفحات وجود دارند و البته محتوای هم نیست. مخاطب با مراجعه به سایت وزارت صمت تنها با اینترنتی خالی برای رفع تکلیف روبرو می‌شود. در برهه‌ای از زمان اطلاعات قدیمی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری منسوخ و یا اشباع شده وجود داشت و حالا همان‌هم حذف شده‌است. این خلأ اطلاعاتی پیامدهای خطرناکی دارد. سرمایه‌گذاری که قصد ورود به تولید دارد، نه‌تنها

نمی‌تواند فرصت‌های واقعی را شناسایی کند، بلکه ممکن است به خطا برود و وارد حوزه‌هایی شود که بازار آن‌ها اشباع یا حتی دچار رکود پنهان است. به بیان دیگر، نبود داده، سرمایه‌گذار را به سمت تصمیم‌های پرریسک و نادرست سوق می‌دهد. در چنین فضای چگونگی می‌توان انتظار داشت که صاحبان پول و ثروت در این حوزه ورود کنند.

آمارهایی که وجود ندارند

ماجرای به فرصت‌های سرمایه‌گذاری ختم نمی‌شود. نگاهی به آمارهای رسمی تولید در سایت وزارت صمت نشان می‌دهد که این بخش نیز عملاً خالی است. سایت قدیمی وزارت صمت نیز مدتی است از دسترس خارج شده و در نتیجه، هرگز و هسگر، فعال اقتصادی یا سرمایه‌گذار که به دنبال تصویری از وضعیت تولید کشور باشد، با خلأ کامل داده مواجه می‌شود. چند ماهی است که وزارت صمت حتی گزارش‌های دوره‌ای «وضعیت تولید صنایع منتخب» را نیز منتشر نمی‌کند؛ گزارشی‌هایی که شامل اطلاعاتی درباره برآورده‌های بهره‌برداری، جوازهای تأسیس، تولید کالاهای منتخب صنعتی، قیمت کالاهای اساسی و تولید در صنایع مختلف بود و حداقل امکان تحلیل وضعیت تولید را فراهم می‌کرد. امروز اما همه چیز در ابهام است. وزیر صمت ترجیح داده با پاک کردن صورت مسئله کارنامه واقعی خود را پنهان کند.

نتیجه حوزه‌ای که به‌صورت محدود از آن آمارهایی منتشر می‌شود، تولید خودروهای سواری و موتورهای داخلی است؛ آن‌هم با اعدادی که ابهام‌های جدی دارد. چراکه در حالی آمار تولید «ثبت» می‌شود که قیمت خودروهای داخلی و موتواری به‌صورت مستمر افزایش پیدای می‌کند، نمونه‌ای چنین قیمت‌رامی می‌توان در خودرو هایما ۸ اس دید که حدود ۷۰۰ میلیون تومان رشد قیمت را به خود دید.

جدال هزینه تولید و قیمت نهایی در بازار لبنیات

ریشه‌های اقتصادی نوسان

بازار لبنیات کشور در هفته‌های اخیر وارد مرحله‌ای تازه از نوسان شده‌است؛ نوسانی که دیگر صرفاً به افزایش تدریجی قیمت‌ها محدود نیست و در برخی ارقام، به جهش‌های مقطعی و چندباره در بازه‌های زمانی کوتاه انجامیده‌است. این وضعیت، نه فقط مصرف‌کنندگان را با سردرگمی قیمتی روبرو کرده، بلکه زنجیره تولید تا توزیع محصولات لبنی را نیز در معرض فشارهای متضاد اقتصادی و نظارتی قرار داده‌است.

مشاهدات میدانی از بازار خرده‌فروشی نشان می‌دهد برخی محصولات لبنی در فاصله چندروزه، با جهش‌های قیمتی متفاوت عرضه شده‌اند. تغییرات سریع قیمت شیر، ماست و پنیر باعث شده مصرف‌کننده با یک کالای پرنوسان مواجه باشد؛ کالایی که تا همین چند ماه قبل، جزو اقلام نسبتاً پایاب‌ات سبد خانوار محسوب می‌شد. این بی‌ثباتی، رفتار خرید را نیز تغییر داده و کاهش مقدار خرید یا حذف تدریجی برخی اقلام لبنی از سبد مصرفی، به واکنشی رایج در میان خانوارها تبدیل شده‌است.

در چنین شرایطی، فروشندهان خرید نریز و وضعیت نامشخصی قرار گرفته‌اند. فاصله میان قیمت‌های مصوب و آنچه از سبوی شرکت‌های پخش یا تولیدکنندگان عرضه می‌شود، تصمیم‌گیری درباره قیمت نهایی را دشوار کرده و ریسک تخلف ناخواسته را افزایش داده‌است. نتیجه این چرخه، بازاری است که در آن نه فروشندگان ناامیدانه دارو نه مصرف‌کننده رغبتی به خرید پیدای کند.

رشد ۰.۶ درصدی تولید صنایع بورسی در آبان



تولید صنایع بورسی در آبان در حالی به مثبت ۰.۶ درصد رسیده که در این ماه تولید در ۱۰ رشته صنعتی منفی و فقط در سه رشته صنعتی مثبت بوده‌است.

شرکت‌های صنعتی ثبت‌شده در بازارهای بورس اوراق بهادار و فرابورس ایران حدود ۴۲ درصد از ارزش محصول کارگاه‌های بزرگ صنعتی (بالتر از ۱۰۰ نفر کارکن) را در اختیار دارند. با توجه به انتشار منظم ماهانه عملکرد تولید و فروش این شرکت‌ها، می‌توان با اتکا به این داده‌ها، برآورد قابل قبولی از عملکرد بخش صنعت کشور ارائه داد و تغییرات این بخش را رصد کرد. در ماه‌های تابستان، روند رشد شاخص تولید صعودی بوده ولی در نهایت رشد تابستان ۱۴۰۴ اکامکان در محدوده منفی نزدیک به صفر (۰.۶- درصد) باقی ماند. در اولین ماه پاییز، رشد شاخص تولید صنعتی بعد از دو ماه رشد مثبت منفی شد و به ۰.۱- درصد رسید، اما در آبان مجدداً رشد شاخص تولید مثبت شد و به ۰.۶ درصد رسید.

صنایع بورسی

رشد شاخص تولید صنایع در مقاطع منتهی به آبان نسبت به دوره‌های مشابه سال قبل گزارش شده‌است. نکات مهمی که از بررسی آمار رشد صنایع در این ماه استخراج می‌شود، عبارت‌اند از:

-رشد شاخص تولید صنعت فلزات اساسی بعد از سه ماه رشد منفی، در آبان رشد در آبان به ۰.۳+ درصد رسید. در این ماه، تولید محصولات کاند مس، فولاد نورد سرد و گرم نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش و فولاد اسفنجی، بلوم، بیلت، و اسلب فولادی افزایش داشته‌است.

-شاخص تولید صنایع شیمیایی بعد از پنج ماه رشد منفی، در آبان رشد مثبت ۷.۳ درصدی را ثبت کرده‌است که در ۱۱ ماه اخیر بی سابقه بوده‌است. در این ماه، تولید پتروشیمی‌های بزرگ نظیر پارس، پردیس و نووری بیش از ۲۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد کرده بود.

-با وجود رشد مثبت نزدیک به صفر شاخص تولید کل در آبان، در بیشتر صنایع به جز سه صنعت محصولات شیمیایی، خودروسازی و قطعات، و محصولات دارویی، رشد منفی شده‌است.

-بیشترین رشد در سه‌ماهه منتهی به آبان مربوط به صنایع دارویی و خودروسازی و قطعات و کمترین رشد مربوط به ماشین‌آلات و تجهیزات بوده‌است.

برنامه هفتم توسعه

پرداخت به ذی نفع نهایی ابزاری برای حکمرانی هوشمند

ناظر اجرائی برنامه هفتم پیشرفت گفت: پرداخت به ذی نفع نهایی یعنی مدیریت جریان نقدی دولت بدون رسوب و اشراف کامل به بهره‌مندی افراد از پرداخت‌های دولت که مبنای مطالبه‌گری‌ها که در حکمرانی هوشمند بودجه‌ها اثرگذار هستند.

سید حسین رضوی پور، ناظر اجرائی برنامه هفتم پیشرفت در تشریح فرآیند اجرایی سازی پرداخت به ذی نفع نهایی که از جمله مواد تاکیدی برنامه هفتم نیز هست، گفت: موضوع پرداخت به ذی نفع نهایی از جنبه‌های مختلفی اثرگذار است. مدیریت جریان نقدی دولت بدون رسوب، اشراف کامل به بهره‌مندی افراد از پرداخت‌های دولت که مبنای مطالبه‌گری‌ها و تحلیل‌های نظام جبران خدمت و اطلاعات تکمیلی درباره انواع هزینه‌های دولت، از جمله این اثرات است.

وی افزود: این موارد می‌تواند برای ما در حکمرانی هوشمند بودجه‌ها اثرگذار باشد. از این سه جنبه پرداخت به ذی نفع نهایی مورد اهمیت است به‌خصوص اگر در کنار سایر داده‌های ما از جمله مالیات قرار بگیرد می‌تواند دهک بندی‌ها را مشخص کند. داده‌های ثبت احوال، داده‌های نظام بانکی و... می‌تواند این حجم سنگین پرداختی به بارانه‌های پنهان را مدیریت کرده و از هدر رفت منابع دولت جلوگیری کند.

ناظر اجرائی برنامه هفتم پیشرفت گفت: ما در ابتدای راه پرداخت به ذی نفع نهایی در ابتدای راه هستیم و در موضوع پرداخت به حقوق پیش رفتیم. در طرح‌های عمرانی و سایر هزینه‌های دولت هر چه جلوتر می‌رویم تنوع ذی نفع نهایی داریم و با یک پیچیدگی خاصی همراه هستیم که با طراحی زوش‌های مختص به هر کدام از ذی نفعان، سود آن و شفافیتی آن به مردم هم اثر خوبی خواهد داشت.

در قانون برنامه هفتم، ما ۱۳ آئمه‌ده است؛ کلیه اعتبارات (اعم از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی-های سرمایه‌ای) از محل منابع عمومی و اختصاصی در قالب اعتبار الکترونیکی به دستگاه اجرائی تخصصی می‌یابد. تصمیم نقد شونده‌گی اعتبار توسط خزانه داری کل کشور در سقف تخصیص‌های ابلاغی انجام و تمام پرداخت‌های دولت از محل حساب پشتیبان حساب‌های اعتباری توسط خزانه داری کل کشور در وجه ذی نفع نهایی واریزی می‌شود.

تمامی حساب‌های بانکی فرعی دستگاه‌های اجرائی اعم از حساب‌های عاملین ذی حساب و تنخواه‌گردان پرداخت در قالب حساب اعتباری ذیل محل حساب اعتباری اصلی دستگاه اجرائی تعریف و پرداخت آنها از محل حساب پشتیبان حساب اعتباری اصلی به ذی نفع نهائی انجام می‌شود.

مصرف‌لبنیات پررنگ‌تر شده‌است. لبنیات یکی از پایه‌های تغذیه سالم محسوب می‌شود و افت مصرف آن، به‌ویژه در دهک‌های درآمد پایین، می‌تواند پیامدهای بلندمدتی برای سلامت عمومی داشته‌باشد. افزایش هزینه‌های درمانی، افت کیفیت تغذیه کودکان و تشدید نابرابری غذایی، از جمله تبعاتی است که در صورت تداوم این روند، دور از انتظار نخواهد بود.

دوره‌ی سیاست‌گذار

بازار لبنیات اکنون در نقطه‌ای حساس ایستاده‌است؛ جایی میان ضرورت حمایت از مصرف‌کننده و واقعیت‌های اقتصادی تولید. استفاده از ابزارهای حاکمیتی برای کنترل بازار، در کوتاه‌مدتی می‌تواند جلوی جهش‌های قیمتی را بگیرد اما در بلندمدت، بدون اصلاح ساختار هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری، پایداری نخواهد داشت. از سوی دیگر، رهاسازی کامل قیمت‌ها نیز می‌تواند فشار

بیشتری بر سفره خانوار وارد کند. راه‌حل پایدار، نیازمند ترکیبی از سیاست‌هاست: از بازنگری دوره‌ای و شفاف در قیمت شیر خام گرفته‌تا حمایت‌ده‌فمن‌دا تولیدکننده، کاهش هزینه‌نهاده‌ها و طراحی سازوکارهایی که مصرف‌کننده نهایی را از شوک‌های قیمتی مصون نگه‌دارد. تا زمانی که این اجزای کنار هم قرار نگیرند، بازار لبنیات همچنان در مدار پایداری خواهد چرخید؛ مداری که هزینه آن ارقام تولیدکننده و هم مصرف‌کننده پرداخت خواهد کرد.



و چند قلم محصول لبنی اصلی، تلاشی برای کاهش این شکاف تلقی می‌شود. تعیین نرخ جدید برای شیر خام و اقلام پر مصرف، در کنار تشدید نظارت بر بازار، نشان‌دهنده تغییر تاکتیک از انکار فشارهای هزینه‌ای به مدیریت هم‌زمان تولید و مصرف‌است.

تصمیمات جدید و پیامدهای آن

در تصمیمات اخیر تنظیم بازار، قیمت شیر خام درب کارخانه به ۳۹ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شد و نرخ چند محصول لبنی پر مصرف نیز بازنگری شد. هدف این اقدام، ایجاد تعادل نسبی در زنجیره تولید و جلوگیری



دولت پاسخگوی افزایش بی رویه قیمت کالاهای اساسی باشد

عضو هیات رئیسه مجلس گفت: دولت به جای اظهار نظر درباره عدم ترمیم کابینه، بهتر است در خصوص قیمت افسارگسیخته ارز، تورم و افزایش بی‌رویه قیمت کالاهای اساسی شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی کند. عباس گوردزی به نوسانات ارزی و انفعال دولت در این رابطه اشاره کرد و گفت: دولت به جای اظهار نظر درباره عدم ترمیم کابینه، بهتر است در خصوص قیمت افسارگسیخته ارز، تورم و افزایش بی‌رویه قیمت کالاهای اساسی شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی کند.

وی با اشاره به اظهارات دولت مبنی بر اینکه استیضاح کمکی به رفع مشکلات نمی‌کند، افزود: اگر استیضاح راهگشا نیست، دولت باید صریحاً اعلام کند چه اقدام و برنامه‌ای می‌تواند به حل مشکلات معیشتی مردم کمک کند. وزیری که در حد و قواره مسئولیت خود، برنامه عملیاتی مشخص برای بهبود وضعیت، حل مشکلات و اقناع افکار عمومی نداشته باشد، طبیعتاً باید جای خود را به فردی توانمندتر بدهد.

عضو هیات رئیسه مجلس بیان اینکه هردولتی پس از گذشت یک سال باید تصویری روشن و قابل لمس از نحوه اداره کشور در حوزه‌ای مشخص به مردم ارائه دهد، گفت: متأسفانه عملکرد فعلی دولت به گونه‌ای است که گویی هنوز در روزها و ماه‌های ابتدایی آغاز به کار خود قرار دارد و تاکنون هیچ تصویر روشنی از برنامه‌ریزی برای ایجاد تحول در هیچ حوزه مشخصی مشاهده نشده است.

تعلیق کارت‌های اجاره‌ای در حاله‌ای از ابهام

در حالی که قرار بود از مهرماه امسال با اعمال محدودیت‌های جدید، مسیره‌سوء استفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای مسدود شود، فشارهای بیرونی و عقب‌نشینی سازمان توسعه تجارت بار دیگر صادرات بدون ضمانت‌نامه راتا سقف ۱۰۰ هزار دلار مجاز کرد.

در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از ارزهای حاصل از صادرات که به چرخه رسمی اقتصاد کشور بازنگشته‌اند، از مسیر فعالیت‌های موسوم به «بازرگانی اجاره‌ای» و استفاده از کارت‌های بازرگانی یکی‌با‌هم‌صرف خارج شده‌اند؛ پدیده‌ای که حالا به یکی از چالش‌های اصلی نظام تجاری و ارزی کشور تبدیل شده است. براساس گزارش سالانه وزارت صنعت، معدن و تجارت، در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۴ هزار کارت بازرگانی جدید صادر شده است؛ این در حالی است که تا پایان سال ۱۴۰۲ مجموع کارت‌های بازرگانی فعال کشور بین ۵۵ تا ۵۵ هزار فقره برآورد می‌شد. این رشد کم‌سابقه در صدور کارت‌های بازرگانی، اگرچه در ظاهری می‌تواند نشانه‌ای از سهیل‌سازی و گسترش فعالیت‌های صادراتی تلقی شود، اما بررسی‌های میدانی و آمارهای رسمی نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از این کارت‌ها به‌صورت اجاره‌ای مورد استفاده قرار گرفته و عملاً به‌پاشنه‌شیل صادرات کشور بدل شده‌اند. به‌گفته برخی مسئولان ذی‌ربط، از مجموع شناسه‌های جدید صادرکنندگان در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۶۱ شناسه صادراتی تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۴ به ارزش تقریبی ۸ میلیارد و ۷۸۶ میلیون یورو هیچ‌گونه تعهد ارزی خود را ایفا نکرده‌اند. آمارها حاکی از آن است که تنها حدود ۱۰ درصد از ارزش حاصل از صادرات این گروه به چرخه اقتصادی کشور بازگشته و مابقی عملاً از دسترس نظام ارز خارج شده است. این آمار اختصاصی نشان می‌دهد افزایش کفی کارت‌های بازرگانی در عمل نه‌تنها به افزایش واقعی صادرات منجر نشده، بلکه در بسیاری موارد به انبازاری برای دور زدن مقررات ارزی و فرار از بازگشت ارز تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که نگرانی نهادهای نظارتی و سیاست‌گذار را به‌دنبال داشته است.

تعلیق کارت‌های اجاره‌ای از ابتدای مهرماه؟

در همین راستا، بانک مرکزی و وزارت صمت طی ماه‌های گذشته جمع‌آوری و ساماندهی کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای را در دستور کار قرار دادند. براساس تصمیمات اتخاذشده، از مهرماه ۱۴۰۴ قرار بود محدودیت‌های جدیدی برای این دسته از کارت‌ها اجرایی شود. هدف از این محدودیت‌ها مقابله با سوءاستفاده‌های مالی، افزایش شفافیت در فرآیند صادرات و تضمین بازگشت ارز حاصل از صادرات عنوان شده است.

در سال‌های اخیر، استفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای برای صادرات کالاهای فاقد نظارت مؤثر و بدون پشتوانه واقعی افزایش یافته و همین موضوع ریسک‌های جدی مالی و ارزی را متوجه اقتصاد کشور کرده است. بر این اساس، سازمان توسعه تجارت ایران با تدوین بخشنامه‌ای، اعمال محدودیت‌های جدی‌تری را در دستور کار قرار داد تا ضمن حمایت از صادرکنندگان خوش سابقه، مسیر سوءاستفاده‌های گسترده مسدود شود.

طبق بخشنامه بالا، صادرکنندگانی که کارت بازرگانی آنها فاقد رتبه‌بندی است، تنها در صورت ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر مجاز به انجام صادرات خواهند بود، همچنین صادرکنندگان دارای اهلیت تأییدشده از سوی رئیس اتاق بازرگانی شهرستانی می‌توانستند تا سقف ۱۰۰ هزار دلار بدون نیاز به ضمانت‌نامه بانکی صادرات انجام دهند؛ تصمیمی که با هدف حمایت از فعالان واقعی و خوش حساب اتخاذ شده بود.

نامه رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، برای تعویق رتبه‌بندی کارت‌های اجاره‌ای

و پیمان‌سازی ارزی
با این حال، اجزای این سیاست با فشارها و سنگ اندازی‌هایی همراه شد، به‌عنوان نمونه، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی اخیراً در نامه‌ای به سازمان توسعه تجارت، خواستار تعویق سه‌ماهه اجزای رتبه‌بندی کارت‌های بازرگانی و همچنین لغو موفق پیمان سپاری ارزی برای صادرات محصولات کشاورزی شد. **مجاز صادرات ۱۰۰ هزار دلار بدون ضمانت‌نامه بانکی برای کارت‌های اجاره‌ای صادر شد**
در نهایت و در پی این فشارها، سازمان توسعه تجارت از بخشی از مصوبه خود عقب‌نشینی کرد و سقف صادرات کارت‌های بازرگانی فاقد رتبه‌بندی و بدون ضمانت‌نامه بانکی راتا ۱۰۰ هزار دلار مجاز اعلام کرد؛ تصمیمی که به‌زعم کارشناسان، عملاً مسیر صادرات با کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای را بار دیگر تا این سبب‌بازی می‌گذارد و می‌تواند تلاش‌های برای مهار فرار ارزی را با چالش‌های جدیدی مواجه کند.

مصمماي: مسئول ارزهای برنگشته از ۸۰هزار دلار به بعد وزیر صمت است

در همین راستا حسین مصمماي، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در واکنش حواشی اخیر در صفحه خود نوشت: وزیر محترم صمت، مستحضرد که لزوم ارائه ضمانت‌نامه بازگشت ارز برای واردکنان کارت بازرگانی بدون رتبه‌بندی از ۳۴ میلیارد تاکنون مدام تعدیم شده است. از تاریخ ۲۸ آذر به بعد، اگر صادرات بدون ضمانت‌نامه انجام شود، جناب عالی مسئول ارزهای برگشته و خسارت به کشور خواهید بود نه افراد غیرمسئول دیگر.

■ چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۴

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶

■ چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۴

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



وقتی طلا نقد نمی‌شود؛

هشدار درباره خریدهای بدون تحویل فیزیکی

گزارش

افزایش قیمت طلا موجب هجوم سرمایه‌های خرد به خریدهای دیجیتال شده، اما نبود تحویل فیزیکی و تأخیر در تسویه، نگرانی‌های تازه‌ای ایجاد کرده است.

افزایش مداوم قیمت طلا در بازارهای جهانی و داخلی، بار دیگر این فلزگران‌بهارا به کانون توجه سرمایه‌گذاران خرد تبدیل کرده است؛ اما این بار نه پشت ووتیرین طلافروشی‌ها، بلکه در فضای دیجیتال و روی پلتفرم‌هایی که وعده خریدآسان، بدون دردسر نگهداری و بدون تحویل فیزیکی طلا را می‌دهند. سکوهايي که با چند کلیک، امکان خرید «طلاي دیجیتال» یا «طلاي آمانی» را فراهم می‌کنند و مدعی‌اند هر زمان که کاربر تصمیم به فروش می‌گیرد، با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود؛ تعلیق موقت امکان فروش به بهانه «نوسان بازار»، سقف‌گذاری بر میزان فروش روزانه، تأخیر چندروزه یا چند هفته‌ای در واریز وجه، ارجاع مکرر به پشتیبانی بدون پاسخ شفاف.

این عدم تقارن میان سهولت خرید و دشواری فروش، عملاً ریسک نقدشوندگی سرمایه را افزایش می‌دهد؛ ریسکی که در زمان‌های قیمت‌چندان به چشم نمی‌آید، اما با کوچک‌ترین اصلاح قیمتی یا نياز فوری به نقدینگی، به مسئله‌ای جدی تبدیل می‌شود. **افزایش قیمت طلا: موتور محرک هجوم مردم**
رشد قیمت طلا، چه ناشی از تورم داخلی و کاهش ارزش پول ملی و چه متأثر از نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک و سیاست‌های انبساطی بانک‌های مرکزی جهان، همواره نقش پناهنگاه امن دارایی را برای طلاپرزنگ کرده است. در چنین فضایی، سرمایه‌گذاران خرد که امکان خرید سکه یا طلاي فیزیکی با مبالغ بالا را ندارند، به سمت ابزارهایی سوق داده شده‌اند که خرید با رقم کوچک‌تر را ممکن می‌کند. پلت‌فرم‌های آنلاین دقیقاً روی همین نقطه دست گذاشته‌اند: «باهر میزان پول، طلا، بخر»؛ تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی، وعده نبود همسوبا قیمت روز طلا، و حذف دغدغه‌هایی مثل سرقت، اجرت ساخت یا مالیات بر ارزش افزوده، جذابیت این پلت‌فرم‌ها را دوچندان کرده است. نتیجه، رشد قابل توجه تعداد کاربران و حجم معاملات طلا در بسترهای دیجیتال طی ماه‌های اخیر بوده است.

طلاي بدون تحویل: دارایی واقعی یا عدد روی صفحه؟

مسئله اصلی اینجاست که در اغلب این پلت‌فرم‌ها، خرید طلا به معنای تحویل فیزیکی آن نیست. کاربر در واقع مالک «ادعا یا طلبي» به میزان مشخصی طلاست که بنا بر ادعای پلت‌فرم، در خزانه یا انبارهای مورد تأیید نگهداری می‌شود. اما شفافیت دربار محل نگهداری، موجودی واقعی، نحوه حسابرسي و نسبت دارایی واقعی به تعهدات پلت‌فرم،

در بسیاری از موارد با ابهام همراه است.

در حالی که در بازار سنتی، مالکیت طلا ملموس و قابل لمس است، در این مدل جدید، دارایی صرفاً به شکل عددی در حساب کاربری ثبت می‌شود؛ عددی که تا زمان فروش یا درخواست تحویل، ماهیت واقعی آن محل پرسش است.

«خرید آسان، فروش دشوار»: تجربه مشترک کاربران

گزارش‌های میدانی و بررسی نظرات کاربران در فضای مجازی نشان می‌دهد یک الگوی تکرار شونده در این پلت‌فرم‌ها وجود دارد: ورود پول سریع و بدون مانع، اما خروج پول زمان‌بر، مشروط یا حتی ناممکن. بسیاری از کاربران می‌گویند فرآیند خرید طلا تقریباً آسانی انجام می‌شود؛ اتصال مستقیم به درگاه بانکی، تأیید لحظه‌ای و ثبت فوری دارایی. اما زمانی که کاربر تصمیم به فروش می‌گیرد، با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود؛ تعلیق موقت امکان فروش به بهانه «نوسان بازار»، سقف‌گذاری بر میزان فروش روزانه، تأخیر چندروزه یا چند هفته‌ای در واریز وجه، ارجاع مکرر به پشتیبانی بدون پاسخ شفاف.

این عدم تقارن میان سهولت خرید و دشواری فروش، عملاً ریسک نقدشوندگی سرمایه را افزایش می‌دهد؛ ریسکی که در زمان‌های قیمت‌چندان به چشم نمی‌آید، اما با کوچک‌ترین اصلاح قیمتی یا نياز فوری به نقدینگی، به مسئله‌ای جدی تبدیل می‌شود.

خط‌بارک بین کسب‌وکار نوآرانه و کلاهبرداری

کنکته حساس اینجاست که همه این پلت‌فرم‌ها الزماً کلاهبردار نیستند؛ اما ساختار برخی از آن‌ها به شدت مستعد سوءاستفاده است. دریافت پول نقد واقعی از کاربران و ارائه تعهدی که اثبات آن دشوار است، بستری مناسب برای ایجاد طرح‌های شبه‌بازاری فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در مدل ورود پول کاربران جدید انجام‌شود. اما با اولین شوک قیمتی و افزایش هم‌زمان درخواست فروش، این چرخه با بحران نقدینگی مواجه می‌شود؛ بحرانی که معمولاً با «اختلال فنی»، «بهره‌رورسانی سیستم» یا «شرایط خاص بازار» توجیه می‌شود.

ضعف نظارت و خلأ مقررات شفاف

بخش مهمی از ریسک این بازار به نبود چارچوب نظارتی مشخص بازمی‌گردد. نه ماهیت این پلت‌فرم‌ها کاملاً بانکی است، نه صرفی شاهد هستیم. وی تصریح کرد: متأسفانه دولت نه تنها در بحث خودرود بلکه در خصوص تأمین نهاده‌های دامی، بهبود معیشت مردم و رهاشدگی بازار نیز برنامه ندارد و دولتمردان حتی با اظهار نظرهایشان هم بروضعیت موجود دامن می‌زنند

اما اینکه سخنان اخیر وزیر جهاد کشاورزی باعث خجالت است، میرمحمدی اظهار کرد: جالب است آقایانی که در کشور مسئولیت اجرایی دارند، گاهی به جرگه منتقدان هم می‌پیوندند و سعی می‌کنند خود را مردمی نشان دهند و این در حالی است که مخاطب برخی انتقادات همچون اظهار نظر معاون اول رئیس جمهور در مورد بازار خودرو، شخص رئیس جمهور و وزیر صمت هستند.



کشور گفت: در وضعیتی که نقدینگی بالاست، طبیعی است که مردم به دنبال دارایی‌هایی باشند که ارزش پولشان را حفظ کند.

او با بیان اینکه در گذشته خرید فیزیکی طلا روش غالب بود، توضیح داد: امروز پلتفرم‌های آنلاین نیز وارد این عرصه شده‌اند و مدعی‌اند که با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید به نیازهای نوپاسخ می‌دهند؛ اما این پاسخ ساده نه تنها لزوماً بهینه نیست بلکه ریسک‌های جدی نیز در پی دارد. الیاس کردی به تعدد نهاده‌ای ناظر بر این پلتفرم‌ها اشاره کرد و گفت: در حالی که در بازارهای پیشرفته جهان تنها دو نهاد تنظیم‌گر، فروش طلا را برعهده دارند اما در ایران از بیش از ۲۰ نهاد در این حوزه نام برده می‌شود. این پراکندگی، ابهام بزرگی برای مشتریان در حوزه مسئولیت و مرجع حل اختلاف ایجاد کرده است. وی افزود: نبود مدیریت روش روشن و شفاف، یکی از ریسک‌های اصلی پلتفرم‌های آنلاین طلاست و بهتر است بانک مرکزی مسئولیت نظارت بر این حوزه را برعهده بگیرد. به‌ویژه آنکه فروش آنلاین طلا در ایران ۲۴ ساعته است اما در کشورهای دیگر، این طور نبوده و این وضعیت امکان پذیرو قابل اتکا نیست.

الیاس کردی در ادامه، به موضوع حواله طلا اشاره کرد و گفت: در بسیاری از این پلتفرم‌ها، حواله‌ها به نام مشتری صادر نمی‌شود؛ بلکه به نام خود پلتفرم است و اگر روزی به هر دلیل صاحب پلتفرم در دسترس نباشد، مشتریان با مشکل مواجه می‌شوند. موضوع انحصار وراثت نیز از دیگر چالش‌هاست؛ زیرا برخلاف طلاي فیزیکی، صندوق‌های طلا یا گواهی‌های سپرده، در پلتفرم‌های آنلاین با فوت فرد، عملاً بی‌رونده دارایی بسته می‌شود و امکان پیگیری وراثت مبهم است.

این تحلیلگر مالی، اظهار کرد: یکی از چالش‌های جدی برخی پلتفرم‌ها، ناتوانی در تحویل فیزیکی طلاست؛ تا جایی که مشتری برای دریافت طلا به مغازه طلافروشی هدایت می‌شود و این موضوع، اصل شفافیت را زیر سؤال می‌برد.

او همچنین به اختلافات قابل توجه کارمزدها در پلتفرم‌های مختلف اشاره کرد و گفت: کارمزد پلتفرم‌های فروش آنلاین طلا از نیم تا دو درصد متغیر است؛ اختلافی که خود نوعی بی‌نظمی در بازار ایجاد می‌کند. وی افزود: در پلتفرم‌های آنلاین طلا هنوز مشخص نیست که مشتری دقیقاً چه چیزی می‌خرد؛ حواله بانک کارگشایی یا طلاي بدو شده؟ در جنگ ۱۲ روزه در بازار طلاي آب‌شده، بسیاری از پلتفرم‌ها نه تنها آمادگی مدیریت صف‌ها و ریسک‌های سیستماتیک را نداشتند، بلکه بخشی از اعتماد خود را از دست دادند؛ مسئله‌ای که دوباره اهمیت شفافیت و پایدیی به قواعد نظارتی را برجسته می‌کند.

الیاس کردی در ادامه اظهار کرد: در حال حاضر مجوز اصلی این پلتفرم‌ها از سازمان مدیریت کسب‌وکارهای مجازی صادر می‌شود. نهادی که تخصصی در حوزه طلا ندارد و این مسئله موجب ایجاد مشکلاتی شده است. این موضوع نیاز به یک رگولاتور معتبر را دوچندان می‌کند. وی گفت: رهاکار اساسی پیش‌ای سیاست‌گذار ایجاد توکن طلا تحت نظارت بانک مرکزی، مشابه ترنلند یا گلکسبر در دنیا است. این تحلیلگر مالی اظهار داشت: انتشار توکن طلا می‌تواند جریان ورود پول به پلتفرم‌ها را شفاف‌کند و در مقابل هر ورودی پول، طلا در بانک بلوکه شود. این توکن‌ها در صرافی‌های مختلف قابل معامله خواهد بود و از این طریق دسترسی مردم به طلاي فیزیکی محدود و مدیریت‌شده می‌شود.

او هشدار داد: مردم باید بدانند که آسان‌ترین مسیر، الزاماً بهترین مسیر نیست. ممکن است، تجربه به‌عکس مالی تکرار شود و فشار ناشی از نا‌آگاهی یا ریسک‌پذیری برخی افراد، دوباره بر دوش دولت و مردم بیفتد.

هیجان و ضرورت احیاط

افزایش قیمت طلا، اشتیاق مردم برای حفظ ارزش دارایی را قابل درک کرده است؛ اما این اشتیاق نباید چشم‌ها را بر ریسک‌های پنهان ببندد. پلتفرم‌هایی که ورود پول را ساده و خروج آن را دشوار می‌کنند، حتی اگر امروز قابل ویرمخاطب باشند، می‌توانند فردا به چالش جدی برای سرمایه‌گذاران تبدیل شوند. در بازاری که طلا می‌درخشد، آنچه بیش از همه اهمیت دارد نه صرفاً قیمت، بلکه مالکیت واقعی و شفافیت و نقدشوندگی است؛ سه مؤلفه‌ای که بدون آن‌ها، امن‌ترین دارایی هم می‌تواند به پرریسک‌ترین انتخاب بدل شود.

مردم باید بدانند که

آسان‌ترین مسیر، الزماً

بهترین مسیر نیست.

ممکن است، تجربه تلخ

مؤسسات مالی تکرار شود

و فشار ناشی از نا‌آگاهی

ریسک‌پذیری برخی افراد،

دوباره بردوش دولت و مردم

بیفتد

ورود گسترده بانک‌ها به سرمایه‌گذاری‌های سوداگرانه

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با انتقاد از کاهش انگیزه بانک‌های مدیریت نقدینگی، تأکید کرد که ورود گسترده بانک‌ها به سرمایه‌گذاری‌های سوداگرانه و فاصله گرفتن از نقش اصلی خود در اعطای تسهیلات، نتیجه ضعف تنظیم‌گری و نبود قواعد بازارآزنده در بانک مرکزی است. میثم ظهوران، با اشاره به ناآرامی برخی بانک‌ها در مدیریت نقدینگی گفت: متأسفانه انگیزه بانک‌ها برای مدیریت بهینه نقدینگی در اقتصاد کاهش یافته و معمولاً منابع خود را در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌کنند. نماینده مردم «مشهد و کلات» با تأکید بر اینکه سودآوری بانک‌ها در گذشته برپایه اعطای تسهیلات استوار بود، افزود: اساس فعالیت بانکی بر تعادل میان سپرده‌ها و تسهیلات قرار دارد. یعنی بانک‌ها باید متناسب با میزان سپرده‌های جذب‌شده، نقدینگی را مدیریت کرده و در همان چارچوب تسهیلات پرداخت کنند؛ اما این قاعده در فعالیت بانکی امروز رعایت نمی‌شود. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس درباره چرایی این وضعیت توضیح داد: دلیل اصلی آن این است که بانک‌ها وارد حوزه‌های دیگر سرمایه‌گذاری شده‌اند و این بخش‌ها را سودآورتر می‌دانند. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس همچنین یادآور شد: از زمان تأسیس بانک‌های خصوصی، سرمایه‌گذاری‌های خارج از چارچوب و فعالیت‌های سوداگرانه در نظام بانکی پررنگ‌تر شده است. البته ذات بخش خصوصی مبتنی بر سودآوری است، اما نهادی که بیشترین تقدا متوجه آن می‌دانیم بانک مرکزی است؛ چراکه نتوانسته به‌درستی تنظیم‌گری کند و قواعد شفاف و جریمه‌های بازارآزنده برای تخلفات بانکی وضع کند.

ظهوران تأکید کرد: نظام رگولاتوری بانک مرکزی باید به گونه‌ای عمل کند که منافع بانک‌ها و مردم در یک مسیر قرار گیرد. از سوی دیگر، از زمان شکل‌گیری بانک‌های خصوصی، این بانک‌ها در بحران اقتصادی نیز به اصطلاح «ناز چرخه‌های» داشته‌اند؛ به این معنا که اگر بازار مسکن وارد روند افزایشی شود، بانک‌ها منابع خود را به سمت این بازار هدایت می‌کنند تا سود بیشتری کسب‌کنند و همین موضوع بحران‌ها را تشدید می‌کند. همچنین از بازار ارز نیز با مشاهده روند صعودی نرخ ارز، بانک‌ها حجم زیادی از نقدینگی را به این بازار منتقل می‌کنند و این رفتار نیز به تعمیق بحران کمک می‌کند.

بیشتری به این موضوع ورود کند. صالحی با انتقاد از نظام چندرخی ارز، خاطرنشان کرد: ارز چندرخی نه‌تنها کمکی به کنترل بازار نکرده، بلکه زمینه‌ساز رانت و سوءاستفاده شده است. شفاف‌سازی در تخصیص ارز و هدایت منابع ارزی به سمت واردات واقعی کالاهای اساسی باید در اولویت سیاست‌های اقتصادی قرار گیرد. وی با بیان اینکه مجلس با جدیت عملکرد بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی را در حوزه مدیریت بازار ارز رصد می‌کند، گفت: از سویی دیگر بانک مرکزی به‌موجب ماده ۱۱۵ برنامه هفتم توسعه، مسئول ثبات بخشی به نرخ ارز و تک‌رقمی کردن تورم و جهت‌دهی به نقدینگی است و باید به تکلیف قانونی خود نیز توجه و اهتمام داشته‌باشد.

اینکه افزایش نرخ ارز حاصل مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و مدیریتی است، افزود: کسری بودجه، رشد نقدینگی، ضعف در مدیریت بازار ارز و انتظارات تورمی از جمله دلایل اصلی جهش نرخ ارز هستند. تا زمانی که این متغیرها به‌صورت ریشه‌ای اصلاح نشوند، نمی‌توان انتظار ثبات پایدار در بازار ارز را داشت. عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به تبعات اجتماعی افزایش قیمت کالاهای اساسی تصریح کرد: امروز شاهدیم اقلامی مانند روغن، لبنیات، گوشت و سایر کالاهای ضروری خانوار با افزایش قیمت از رشد کردن و این مسئله فشار قابل توجهی بر زندگی روزمره مردم وارد کرده است. ندآوم این روند می‌تواند نارضایتی اجتماعی را تشدید کند. لازم است دولت با حساسیت

سفره خانوار، قربانی افزایش نرخ دلار!

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، با انتقاد از افزایش قیمت ارز در کشور، گفت: افزایش نرخ ارز در ماه‌های اخیر تأثیر مستقیم و ملموسی بر قیمت کالاهای اساسی گذاشته و فشار مضاعفی را به معیشت مردم، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، وارد کرده است. مسلم صالحی با اشاره به افزایش نرخ ارز و اینکه بخش قابل توجهی از کالاهای اساسی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به نرخ ارز وابسته هستند، اظهار کرد: حتی کالاهایی که در داخل کشور تولید می‌شوند نیز به دلیل وابستگی به نهاده‌های وارداتی، از جهش ارزی تأثیر می‌پذیرند و این موضوع باعث شده هزینه‌های تمام‌شده تولید و در نهایت قیمت مصرف‌کننده افزایش یابد. نماینده مردم «اقلید» در مجلس شورای اسلامی با بیان